



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه شافعی

مباحث اصول (۱)

هفته پنجم

استاد: دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

دستیار: سید فاضل رستمی

## الف - تعریف مجاز:

« اللفظ المستعمل في معنى غير ماوضع له لمناسبة بينه و بين المعنى الأصلي »

( لفظی که در معنای « غیر ماوضع له » - با وجود مناسبت بین معنای دوم و معنای اصلی - استعمال شود )

### شرح تعریف:

مراد از مناسبت، علاقه ( رابطه = وصف مشترک ) بین معنای حقیقی و مجازی است که ذهن از طریق آن پی به این انتقال معنا می برد.

یادآوری می شود که نمونه هایی از « الفاظ » این تعریف، در تعریف « حقیقت » تبیین شد که به دلیل همسانی، از ذکر آن خودداری می شود.

۱- مجاز لغوی: « هو اللفظ المستعمل في غير ما وضع له في اصطلاح التخاطب لعلاقة و قرينة »

( استعمال لفظ بر اساس اصطلاح متکلم در غير موضوع له خویش با وجود رابطه و قرینه )

\* نکته: مجاز لغوی به طور تفصیل شامل مجاز لغوی، عرفی و شرعی می گردد.

مثال: استعمال لفظ « صلاة » به معنای « عبادت مخصوص » از طرف شخص لغوی و استعمال لفظ « صلاة » به معنای « دعا » از طرف شخص متشرع. و استعمال لفظ « دابة » به معنای « غیر الحافر / غیر سم دار مانند شتر » از طرف شخص عرفی.

ب- اقسام مجاز

۲- مجاز عقلی ( اسنادی = مرکب ) :

اسناد ( نسبت دادن ) فعلی به غیر مسند الیه ( فاعل ) حقیقی.

مثال: عبارت « أَنْبَتَ الرَّبِيعُ الْبَقْلَ » ( بهار، سبزی را رویانید ) ، در حالیکه فاعل رویاندن سبزی، خداوند است نه بهار.

## ج- علاقه و اقسام آن

درستی مجاز مشروط به وجود علاقه (ارتباط و وابستگی معنایی) بین مفهوم حقیقی و مجازی است که در این گفتار، اولاً به تعریف «علاقه» و سپس به اقسام آن می‌پردازیم:

### تعریف علاقه:

عبارت است از وجود مناسبت (وصف مناسب = وجه شبه) بین معنای حقیقی و مجازی در لفظ مجازی

### شرح تعریف:

مراد از مناسبت، وجود وابستگی بین معنای اول لفظ (حقیقی) و معنای دوم لفظ (مجازی) است؛ به گونه‌ای که لفظ در غیر معنای اصلی خویش استعمال می‌شود. (وجود نوعی رابطه بین دو معنا شرط است که از آن تعبیر به «علاقه» می‌شود).

۱- مشابهت

۲- تضاد

۳- سببیت (علیت)

۴- جزئیت و عکس آن

۵- محلّیت

۶- ما کان ( ما سبق)

۷- ما سیکون

اقسام علاقه

در ذیل، هر یک از این اقسام مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۱- مشابهت ( وجود وجه شبه بین معنای حقیقی و مجازی لفظ )

مثال: اطلاق لفظ شیر به شخص دارای شجاعت ( وجه شبه )

مثال حقوقی: لفظ « درخواست » در « ق . آ . د . م » مجاز است و به جای دادخواست، استعمال شده است.

وجه مجازی آن، این است که درخواست از مراجع قضایی، شامل دادخواست ( شکوی ) و تقاضا ( غیر شکوی = درخواست صدور اجرائیه و... ) می گردد؛ ولی دادخواست فقط به مفهوم شکوی است؛ بدین معنا که هر دادخواستی متضمن درخواستی است ولی هر درخواستی ملازم با دادخواست ( شکوی ) نیست و از این جهت، استعمال لفظ درخواست به جای دادخواست به علاقه ی مشابهت بین آن دو ( نوعی خواستن ) مجاز است.

## ۲- تضاد ( دو مفهوم ضد همدیگر ):

مثال: اطلاق لفظ « لاغر » به شخص چاق ( تو چقدر لاغر هستی ! )

### ۳- سببیت یا علیت ( ذکر لفظ سبب و اراده ی مسبب )



### ۴- جزئیت و عکس آن ( ذکر لفظ جزء و اراده ی کل و عکس آن: ذکر لفظ کل و اراده ی جزء )

مثال جزئیت: « تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ » ؛ بیان لفظ « دستان ابولهب » و اراده ی خود ابولهب

مثال کلیت: « يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ » [ بقرة: ۱۹ ] ؛ ذکر لفظ « اصابع = انگشتان » به معنای کل و اراده سرانگشتان (جزء)



## ۵- محلّیت (محل و حال): ذکر محل و اراده ی حال و عکس آن

مثال محل و حال: « واسأل القرية » [ یوسف: ۸۲ ]؛ در آیه ی قرآنی، « القرية » به عنوان « محل » ذکر شده است ولی مراد حال ( اهل ) است.

مثال دیگر: کلاس ساکت است ؛ ذکر محل ( کلاس ) و اراده ی حال ( دانشجویان ).

مثال حال و محل: عبارت « رفتن به دکتر » ( حال ) که مراد، مطب ( محل ) است.

## ۶- ما کان ( ما سبق ): ذکر لفظی در زمان حال و به اعتبار گذشته

مثال: استعمال لفظ « رئیس » درباره شخص بازنشسته به اعتبار منصب ریاست او در زمان گذشته.

مثال حقوقی: ذکر لفظ « زوجه » در ماده ۹۴۳ ق.م که به معنای زن بیوه است.

## ۷- ما سیکون ( به اعتبار آینده ): استعمال لفظی به اعتبار معنای آینده.

مثال: استعمال لفظ « دکتر » درباره ی دانشجوی دکتری به اعتبار آینده.

## د- قرینه و اقسام آن

**تعریف قرینه:** نشانه‌ی مناسبی که بیانگر عدم اراده‌ی معنای حقیقی لفظ از طرف متکلم است که از آن تعبیر به قرینه‌ی صارفه یا مانعه نیز می‌شود.



در ذیل، هر یک از این اقسام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱- قرینه ی حسی ( حس مانع از مفهوم حقیقی لفظ است)

**مثال:** أَكَلْتُ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ ← مراد: من ثمرتها ( از میوه اش)

مراد از خوردن درخت، میوه ی آن است، چون به لحاظ حسی، درخت قابل خوردن نیست.

## ۲- قرینه عادیه یا حالیه یا مقامیه ( شرایط و اوضاع)

**مثال ۱-** استعمال لفظ « مرده »، برای بیمار بدحال

**مثال ۲-** سخن شوهری که مانع رفتن همسرش در آن وقت به خارج منزل است - خطاب به همسرش: « اگر بیرون بروی، طلاق واقع است»؛ شرایط سخن، بیانگر خارج شدن تنها در آن وقت است؛ نه تمام اوقات.

## ۳- قرینه شرعی ( حکم شرعی مانع از مفهوم حقیقی لفظ)

**مثال ۱-** خطاب خداوند بی همتا به صیغه ی مذکر « یا ایها الذین آمنوا»، قرینه ی شرعی بیانگر آن است که مراد، تنها ذکور نیست، بلکه جنس مؤنث نیز مورد خطاب است.

**مثال ۲-** توکیل ( وکالت دادن) در دفاع از شخص؛ قرینه ی شرعی بیانگر آن است که دفاع از شخص در مقابل مخالف، با اعتدا بر او نیست؛ چون اعتدا بر دیگران شرعا جایز نیست.

## ه- خلاف اصل بودن مجاز

اگر متکلم، لفظ دارای دو معنای حقیقی و مجازی را استعمال کند و قرینه ای برای معنای مورد نظر متکلم وجود نداشته باشد، بر اساس قاعده ی « اصالةُ الحقیقة »، لفظ متکلم را باید حمل بر حقیقت کرد.

**مثال:** کسی مالی را به عنوان وصیت به فرزند کسی اختصاص می دهد، فرزند دارای دو معنای حقیقی ( فرزند نسبی ) و مجازی ( فرزند غیر نسبی مثل رضاعی یا فرزند خوانده ) است. در این باره لفظ فرزند، حمل بر فرزند نسبی می گردد.

۱- ثقل لفظ حقیقت بر زبان

۲- حقارت و زشتی مفهوم لفظ حقیقی

۳- کاربرد لفظ مجازی از باب محسنات بدیعی

۴- وجود تعظیم و تاکید در الفاظ مجازی بر خلاف الفاظ حقیقی

و- اسباب عدول  
از حقیقت به مجاز  
( بر اساس قاعده ی «  
اصالةُ الحقیقة »، اصل در  
کلام، استعمال معنای  
حقیقی آن است، ولی به  
اسبابی معنای مجازی آن  
اراده می شود. )

## ۱- ثقل لفظ حقیقت بر زبان

**مثال:** لفظ «الخنفقیق» در معنای مصائب زندگی، حقیقت است؛ ولی چون این لفظ، بر زبان ثقیل است، لفظ دیگری ( یعنی موت) را در معنای لفظ «الخنفقیق» به عنوان مجاز برگزیده اند که هر چند «موت» به عنوان مصائب زندگی محسوب نمی شود، ولی این لفظ را مجازا به معنای آن استعمال کرده اند.

## ۲- حقارت و زشتی مفهوم لفظ حقیقی

**مثال:** لفظ «الخرء» به آنچه که از سبیل عادی انسان خارج می شود، اطلاق می گردد؛ ولی از لفظ دیگری برای آن تحت عنوان « غائط» یا « قضای حاجت» استفاده می کنند که مجازا بر «الخرء» دلالت می کند.

۳- کاربرد لفظ مجازی از باب محسنات بدیعی؛ مانند «جناس»، «طباق» و «قافیه»؛ در حالیکه در برخی از الفاظ حقیقی، چنین محسناتی وجود ندارد.

## ۴- وجود تعظیم و تاکید در الفاظ مجازی بر خلاف الفاظ حقیقی

**مثال:** عبارت « رأیتُ اسدا »، رساتر از عبارت « رأیت رجلا شجاعا یشبه الاسد» است.

## علامتهای حقیقت و مجاز

معمولا تشخیص استعمال معنای حقیقی یا مجازی لفظ با توجه به مفهوم اصلی یا عارضی آن و نیز بر اساس تجربه و آگاهی شخص، امکان پذیر است؛ ولی گاهی استعمال لفظ در معنای مختلف، مخاطب را دچار اشتباه می گرداند که تشخیص آن از طریق علامت های خاص است که در ذیل به آن می پردازیم.

۴	۳	۲	۱	
<p>کثرت استعمال لفظ در معنایی بدون قرینه (اطراد) مثال: لفظ «تعهد» به معنای مسئولیت پذیری در قبال چیزی با اراده به دلیل کثرت استعمال لفظ در این معنا. (مواد ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳ و ۲۷۸ ق.م)</p>	<p>صحت استعمال لفظ در معنایی بدون قرینه ( اسد به معنای حیوان درنده) مثال حقوقی: ( م ۸۶۲ ق.م: اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند، سه طبق اند: ۱- پدر و مادر و اولاد ۲- ... ۳- ... استعمال هر کدام از الفاظ پدر و مادر و اولاد - بدون قرینه به ترتیب در معنای مرد و زن دلسوز و اولاد رضاعی یا فرزند خوانده، صحیح نیست؛ ولی استعمال آن در معنای حقیقی بدون قرینه جایز است.</p>	<p>تبادر اولیه ی ذهن به معنای حقیقی بدون قرینه ( ید به معنای دست) مثال حقوقی: (مادر به معنای مادر نسبی در م ۵۸۴ ق.م)</p>	<p>تصریح واضح به معنای حقیقی لفظ ( اسد به معنای حیوان درنده)</p>	<p>علامتهای حقیقت</p>
<p>قلّت استعمال لفظ در معنایی ( عدم اطراد). مثال: لفظ «تعهد» به معنای تحمل قهری مسئولیت پذیری در قبال چیزی ( بدون اراده شخص) به دلیل قلّت استعمال</p>	<p>عدم صحت استعمال لفظ در معنایی بدون قرینه. زیدُ اَسْدُ ( زید اسد است)؛ استعمال لفظ بدون قرینه به معنای حقیقی آن ( حیوان درنده) درست نیست؛ پس « مجاز » است.</p>	<p>عدم تبادر ( ید به معنای استیلا و ید غاصبانه) مثال حقوقی: ( مادر به معنای مادر رضاعی در م ۳۱۸ ق.م ) <b>نکته:</b> گاهی عدم تبادر، علامت مجاز نیست؛ چون گاهی لفظ در معنای حقیقت است ولی ذهن به آن معنا متبادر نمی شود، مانند تمام مشترک های لفظی</p>	<p>عدم تصریح واضح به معنای حقیقی لفظ ( اسد به معنای انسان شجاع)</p>	<p>علامتهای مجاز</p>

## ۱- صریح:

لفظ حقیقی یا مجازی که مفهوم آن به سبب کثرت استعمال کاملاً واضح باشد.

**مثال ۱-** أنتِ طالقُ: مفهوم این عبارت به عنوان یک لفظ حقیقت در ازاله ی نکاح روشن است.

**مثال ۲-** واسأل القرية: مفهوم این عبارت نیز که امر به سؤال از اهل قریه است، واضح می باشد؛ چه آنکه هر چند که عبارت مذکور در معنای مجازی استعمال شده است، ولی مفهوم این عبارت در امر به سؤال از اهل قریه واضح است.

**نکته:** حکم به معنای لفظ صریح بدون توجه به قصد و مراد متکلم تعلق می گیرد.

**۲- کنایه:** لفظی که معنای مورد نظر، در آن نهفته است و فقط با قرینه قابل فهم است.

**مثال:** سخن شوهر خطاب به همسرش: الحق بأهلك ( به خانواده است ملحق شو) که کنایه از طلاق است.

**نکته:** حکم به معنای لفظ کتاب با نیت یا دلالت حالیه تعلق می گیرد، ولی در هنگام وجود شبهه، حکم لفظ کنایه ثابت نمی شود.

**به عنوان نمونه:** عبارت ( من زناکار نیستم): این لفظ دلالت بر قذف بر دیگری نمی کند؛ چون « خفا» شبهه ای است که حدود با آن ثابت نمی شود و بر اساس قاعده ی « الحدود تدرأ بالشبهات» حدود با شبهات دفع می گردد.

اقسام  
حقیقت و  
مجاز به  
طور مطلق